

پلیس معتمد مردم

مبارزه با ناهنجاری‌های اجتماعی و قانون شکنی در تمام سطوح

پیگیری و تسریع در روندهای اداری رسیدگی به جرایم به وقوع پیوسته

رعایت موازین شرعی و اخلاقی در اقدامات و فعالیت‌ها و رسیدگی به جرائم

تأمین امنیت و آرامش اجتماعی و توجه همزمان به مجرمان خرد و کلان

رفتار مناسب و محترمانه با شهروندان در عین برخورداری از قاطعیت در برخورد با جرائم

اعتماد به اخبار موثق و منتشره در رسانه‌های رسمی

آگاهی نسبت به روندهای رسانه‌ای جریان‌های معاند که پروژه اقتدار شکنی پلیس را دنبال می‌کنند

پرهیز از شتابزدگی و قضاوت عجولانه درباره رویدادهای مرتبط با پلیس

آگاهی نسبت به قوانین و وظایف پلیس در تأمین امنیت

انتظارات مردم از پلیس

انتظارات پلیس از مردم

اهداف اصلی رسانه‌های معاند

اهداف فرعی رسانه‌های معاند



بر اساس یافته‌های نظرسنجی مرکز افکارسنجی دانشجویان ایران (ایسا) معلمان و نیروی انتظامی از بیشترین اعتماد نزد مردم برخوردار بوده‌اند.

در این نظرسنجی که در اسفند ماه ۱۴۰۰ انجام شده است، جامعه هدف از بین مردم ساکن مناطق شهری و روستایی ایران مورد بررسی قرار گرفته است. بر اساس این گزارش، حدود ۵۸/۲ درصد از مردم ایران به نیروی انتظامی اعتماد داشته‌اند که این رقم پس از معلمان دارای بیشترین رتبه بوده است. میزان اعتماد به هر یک از گروه‌های فوق بر حسب متغیرهای زمینه‌ای مثل تحصیلات، سن و محل سکونت معنادار شده است به گونه‌ای که این میزان اعتماد در بین افراد ۵۰ سال و بالاتر بیشتر از سایر گروه‌های سنی، در بین افراد زیردبلم بیشتر از سایر گروه‌های تحصیلی و در بین ساکنان روستایی بیشتر از ساکنان شهری بوده است. بر این اساس گروه‌هایی که بیشترین اعتماد را داشته‌اند، عبارتند از: زنان (۶۲/۷ درصد)، افراد ۵۰ سال و بالاتر (۷۱/۸ درصد)، افراد زیردبلم (۷۳/۸ درصد)، افراد با رسانه هزینه خنوار کمتر از یک میلیون تومان (۶۹/۱ درصد) و ساکنان مناطق روستایی (۷۳/۱)

مشروعیت زدایی از نهاد استراتژیک مقابله با ناهنجاری‌های اجتماعی

کاهش میزان سرمایه اجتماعی نظام

کاهش میزان اقتدار و نفوذ حکم و دستور پلیس و دستگاه قضایی

ساخت تقابل‌های جعلی شهروند-پلیس به طور عام و ملت-حاکمیت به‌طور خاص

مشروعیت‌زدایی از ساحت قوانین و مجریان قانون در کشور

منزوی کردن فراجا در آذهای عمومی جامعه و به احتیاط کشاندن این نهاد در برخورد قاطع و صریح با جرایم و ناهنجاری‌ها

تحریف معنای مفاهیمی همچون «آزادی» و «حریم خصوصی» و...

احیا و استمرار الگوهای مخربی همچون کمپین‌های رسانه‌های معاند

تصویرسازی نادرست از حجاب به‌عنوان «ابزار کنترل و عامل محدودیت» و تقلیل شأن و جایگاه بانوان

القای گزاره دروغین «زن‌ستیز و مردسالار بودن جمهوری اسلامی ایران»

ایجاد گسست و آشفتنی اجتماعی از طریق ایجاد انحراف در مسیر نقش‌های خانوادگی و اجتماعی بانوان

آخرین نظرسنجی «ایسا» مشخص کرد

پلیس در رتبه دوم اعتماد اجتماعی در کشور

گروه سیاست/ «حفظ امنیت»، همواره نزد جامعه ایرانی به عنوان یکی از بزرگ‌ترین دستاوردهای جمهوری اسلامی ایران شناخته می‌شود که در آن کمتر کسی تردید دارد. در

این میان نیروی انتظامی به عنوان یکی از نهادهای اصلی حفظ امنیت در سطح کشور مورد توجه قرار دارد و یکی از نهادهای کارآمد نظام است. همین امر سبب شده تا دشمنان به فکر تخریب وجهه اجتماعی این نهاد افتاده و با ایجاد موج‌های تدریجی، اعتماد اجتماعی به این نهاد را کم‌رنگ کرده و احساس امنیت را از بین ببرند.

تحقیقات به‌عمل آمده نشان می‌دهند که فراجا در جلب اعتماد عمومی از موفقیت زیادی برخوردار بوده است. امید به آینده پلیس در مقایسه با پنج نهاد سیاسی کشور (مجلس شورای اسلامی، مجلس خبرگان، شورای نگهبان، قوه قضائیه و قوه مجریه) مؤید این است که اعتماد مردم به آینده پلیس و اینکه بتواند مسائل مبتلا به جامعه مربوط به خود را حل کند، بیش از سایر نهادها بوده و رتبه اول را در بین این نهادها کسب کرده است. (قریباً شایگان، دانش انتظامی، شماره ۳۹)

همچنین نظرسنجی انجام شده در خصوص اعتماد اجتماعی که در اسفندماه ۱۴۰۰ در مناطق شهری و روستایی ایران توسط «ایسا» انجام شده، با رعایت اصول علمی و با نمونه‌گیری تصادفی صورت گرفته است که بر مبنای آن پلیس پس از صنف معلمان، از بیشترین میزان اعتماد اجتماعی برخوردار است. سنجش شاخص‌های اجتماعی از آن جهت ضروری است که به نوعی نبض جامعه را می‌سنجد. این گونه مطالعات در مورد قضاوت‌های مردم در برخورد با پلیس در این کشور می‌کند و به نوعی به آسیب شناسی جامعه می‌پردازد. به طور خاص، اندازه‌گیری اعتماد اجتماعی مهم است، زیرا اعتماد در واقع به عنوان یک چسب در جامعه عمل می‌کند و همبستگی اجتماعی را القای می‌کند. اعتماد باعث تعهد افراد به جامعه و افزایش مشارکت اجتماعی می‌شود و در نتیجه به توسعه جامعه کمک می‌کند. چنین موضوعی توجه به نقش حیاتی فراجا و ضرورت حفظ اقتدار این نهاد در همگرایی اجتماعی را ضروری می‌سازد.

پلیس تجسم نظام سیاسی است؛ هر مأمور پلیس در حقیقت مأمور تحقق و توزیع نظم در جامعه بر اساس هنجارهای قانونی و فرهنگی تعریف شده در جامعه است؛ به همین خاطر

نه تنها نماد اقتدار دولت محسوب می‌شود، بلکه فعالیت‌های انمودی از میزان ثبات و امنیت جامعه است.

پروژه «اعتبارزدایی و اقتدار شکنی فراجا» اقتدار شکنی فراجا» با هدف به انفعال کشاندن نیروی انتظامی در برخورد صریح و قاطع با ناهنجاری‌های اجتماعی طرح‌ریزی شده است که برخی رسانه‌ها و گروه‌های اجتماعی به طور آگاهانه و یا ناآگاهانه در پیشبرد آن نقش ایفا می‌کنند. خط اصلی عملیات روانی این پروژه را انتشار فیلم‌هایی از برخورد نیروی انتظامی ترسیم می‌کند که در بیشتر موارد، این فیلم‌ها عمدتاً به گونه‌ای تقطیع شده‌اند که حقیقت را وارونه جلوه می‌دهند.

به جز یک مورد کلیپ اخیر که ناظر به برخورد خارج از ضوابط یکی از واحدهای انتظامی با زنی میانسال بود و البته پلیس به محض اطلاع یافتن به سرعت به موضوع رسیدگی نموده و با بسرتیم این واحد انتظامی به دلیل سوء مدیریت برخورد انضباطی کرد؛ عمده کلیپ‌های منتشر شده از برخورد پلیس با خاطیان، روایتی دروغین و تحریف شده از واقعیتی متفاوت بوده است.

واضح است که از لحاظ تأثیر عملکردی نهادی مانند پلیس که نقطه تماس قدرت سخت نظام با مردم است، دوزاویه دید اصلی وجود دارد؛ یک زاویه، عملکرد عینی و ملموس یگان‌ها و نیروهای مختلف فراجا (از مرزبانی و مبارزه با مواد مخدر تا پلیس فتا و پلیس گذرنامه و...) است که توده‌های مردم به‌صورت عینی و فیزیکی شاهد این عملکرد هستند و قضاوت درونی خود را از این عملکرد دارند. اما زاویه دیگری که در این میان وجود دارد (و به همان اندازه مهم است)، تصویر اقتدار یا به تعبیر جامعه‌شناسان، «بازنمایی» اقتدار پلیس در آذهای عمومی جامعه ایران است. همان‌گونه که در مبحث حیاتی و اساسی «امنیت»، علاوه بر امنیت ملموس و عینی، که به تعداد کارکنان پلیس، تجهیزات و امکانات و طرح‌های انتظامی و امثال اینها بازمی‌گردد، «احساس» امنیت در آذهای عمومی هم به همان اندازه اهمیت دارد. در مبحث اقتدار پلیس هم علاوه بر عملکردهای عینی در تأمین امنیت، «احساس» امنیت در افکار و آحاد مختلف جامعه هم بسیار حیاتی است. این دقیقاً نقطه‌ای است که اتفاق فکر

پیوندهای قوی‌تر احساسی و عاطفی بین توده‌های مردم و پلیس (به‌عنوان اصلی‌ترین نیرو در حوزه تأمین امنیت داخلی) ضرورت دارد.

فراجا از ساختار بزرگ و حوزه وظایف گسترده‌ای برخوردار است و این امر ضرورت دو موضوع مورد اشاره در بالا را بیشتر می‌سازد. دقیق و جامع نیست و اگر چه ساخت برخی سریال‌های پلیسی در دو دهه اخیر، پیچیدگی وظایف این نهاد مؤثر را بیشتر به مردم معرفی کرده، اما بازهم لازم است تا دستاوردها و خدمات پلیس و دشواری‌های وظایف آن بیش از پیش به مردم معرفی شود.

بر این اساس ضرورت دارد که مجموعه‌های رسانه‌ای وابسته به فراجا یا به‌پایا تحولات دیجیتال در حوزه رسانه و شبکه‌های اجتماعی پیش بروند و لازم است تا توسعه و پیشرفت این بخش، همبستگی و توسعه بخش‌ها و وظایف و ساختار کلی فراجا باشد؛ به‌ویژه پس از تحول اخیر در ساختار نیروی انتظامی و تبدیل آن به فرماندهی کل که حساسیت این نهاد را بیشتر نشان داده است.

امنیتی که از دوران سرکوب فتنه منافقین و گروه‌های مسلح در دهه شصت به همت دستگاه‌های انتظامی و امنیتی تا به امروز تثبیت شده است، آنچنان بدیهی و عادی شده که خیلی از اوقات، از فرط بدهایت از یاد توده‌های مردم می‌رود. اقدامات تبلیغی رسانه‌های ضدانقلاب و هسته‌های دشمن در شبکه‌های اجتماعی، بیش و پیش از هر چیز به دنبال خنده‌دار کردن این گزاره کلیدی و القای این نکته است که در ایران «امنیت اجتماعی» وجود ندارد. این در حالی است که اقتدار پلیس و وفای به تعهدات، معطوف به مقابله با اوباش و ارادل و سالیان امنیت فیزیکی و ذهنی مردم است.

نکته مهم آن است که هر جامعه‌ای فراخ از سکو، لایک یا دین‌مدار بودن، بر اساس اصول عرفی و سنتی و جاقانده بودن، تعریف پذیرفته شده‌ای از دو مفهوم کلیدی «نظم اجتماعی» و «عفت عمومی» دارد و نیروی انتظامی در هر جامعه، با برهم‌زنندگت و اختلالگران در «نظم اجتماعی» و «عفت عمومی» بدون مدارا و انعطاف برخورد می‌کند. پیگیری و تحقق این مهم عمدتاً با فرهنگ‌سازی و تولید محتوای آفاق‌ساز امکان‌پذیر است.



”

درک جامعه از پلیس و وظایف آن چندان دقیق و جامع نیست و اگر چه ساخت برخی سریال‌های پلیسی در دهه اخیر، پیچیدگی وظایف این نهاد مؤثر را بیشتر به مردم معرفی کرده، اما بازهم لازم است تا دستاوردها و خدمات پلیس و دشواری‌های وظایف آن بیش از پیش به مردم معرفی شود

امنیت بزرگ‌ترین نعمت و ستون ثبات و آرامش اجتماعی است. پلیس تأمین‌کننده این امنیت است. دشمن اصلی ارادل، اوباش، سازقان و مزاحمان نوامیس، پلیس مقتدر است که خشن‌ترین و متجرب‌ترین خلافکاران را سرکوب می‌کند. نیروی انتظامی ایران نسبت به پلیس در همه کشورهای مدعی «حقوق بشر»، ملایم‌ترین برخورد را با متهمان خرد یا قانون شکنان غیرجنایی دارد. نیروی انتظامی از بدنه مردم و از متن مردم است و یک موجود «بیگانه» نیست. پلیس شدن، یک «ارزش» است و کار پلیس در کانون خود، یک کار «تبخگانی» است.

پایان خط هنجار شکنان اجتماعی، عمدتاً بویچی، فساد و به تباهی کشیده شدن توسط تاجران موادمخدر و فحشا و قاچاقچیان انسان است. دشمن اصلی ارادل، اوباش، سازقان و مزاحمان نوامیس، پلیس مقتدر است که خشن‌ترین و متجرب‌ترین خلافکاران را سرکوب می‌کند. نیروی انتظامی ایران نسبت به پلیس در همه کشورهای مدعی «حقوق بشر»، ملایم‌ترین برخورد را با متهمان خرد یا قانون شکنان غیرجنایی دارد. جامعه ایران را روشن می‌سازد. در این راستا، معرفی اهمیت ولای «اقتدار پلیس» در تأمین حیاتی‌ترین و اساسی‌ترین نیاز جامعه انسانی که همانا «امنیت» است و دوم، برقراری